



فرهنگی. اجتماعی. سیاسی. اقتصادی
www.shahrvand-newspaper.ir

صاحبانیت: جمعیت هلال احمر جمهوری اسلامی ایران

مدیر مسئول: اسماعیل رضانی

دفتر مرکزی: تهران، فلکه دوم صادقیه- ابتدای بزرگراه

محمدعلی جناح- کوچه شهید طاهریان، شماره ۲۴

کد پستی: ۴۴۹۵۶۱۷-۴۸۳۷۷۸۶۱۷-۱ فکس: ۴۴۹۵۶۱۰۰

تلفن: ۰۱۰۸-۴۴۹۵۶۱۰۰

چاپ: هنر سرزمین سبز- تلفن: ۶۶۸۱۸۱۶۸

شبکه توزیع فروش: شرکت نشر گستر امروز

تلفن: ۵۴۰۸۱۰۰۰

تلفن سازمان آگهی ها: ۰۴-۴۴۹۵۶۲۰۱

فکس: ۴۴۹۵۶۲۰۳-سامانه پیامکی: ۵۰۰۲۶۲۶۶۲

مبتنی بر نام اخلاق حرفه‌ای روزنامه شهروند را در سایت بخوانید

http://shahrvand-newspaper.ir/Misagh_Name

instagram.com/Shahrvand-Newspaper

یادداشت

جنون صف

مریم شکرانی



روزنامه‌نگار

«بنزین انبار کرده بود و خانه‌اش روی هوا رفت» این خلاصه یک خبر است بعد از آن که شایعه گرانی بنزین دهان به دهان چرخید. بعد از آن که صف دراز جایگاه‌های سوخت خیرساز شد. حالا «صف‌ها» در ایران مدام خیرساز می‌شوند: «صف دلار»، «صف طلا»، «صف خرید خودرو»، «صف سفر خارجی»، «صف بنزین» و... و مردمی که گویا دچار جنون «صف» شده‌اند. فقط یک اشاره کافی است که فلان چیز گران می‌شود و آن وقت است که مردم برای خرید قطار شوند. حالا هی بگویند که کمپین «خریب» راه انداخته‌اید یا سلطان سکه را گرفت‌اید و جمشید بسیم‌الله بازار ارز را به هم ریخته است، باز هم چیز زیادی تغییر نمی‌کند.

باز هم مردم می‌دانند که اگر امروز نخرند، فردا بیچاره می‌شوند. آنها می‌دانند که این اقتصاد مشکل دارد و اگر نخرند معجزه نمی‌شود. مگر بازار مسکن خیلی داغ و پررونق است که طرف یک دهه قیمت خانه رشد ۵۷۰ درصدی داشته است؟ مگر مردم برای خرید میوه صف کشیده‌اند که بهای خیار نسبت به پار سال رشد ۲۴ درصدی داشته و موز ۵۸ درصد و سیب ۶۵ درصد گران شده است؟ مگر صف یخچال و اجاق گاز و مایکروفر داشته‌ایم که قیمت برخی از این اقلام تا ۱۰۰ درصد بالا رفته است؟... خود آقایان خوب می‌دانند که صف‌ها مشکل اساسی نیستند. خوب می‌دانند که کمیت اقتصاد از جای دیگر می‌لنگد. اقتصادی که سال‌هاست رنگ ثبات به خود ندیده و هر سرمایه‌گذار خارجی را فراری داده است. اقتصادی که دهه‌هاست اسیر دست کج‌سلیقگی مدیران است، اسیر فسادها و رانت‌ها و ویژه‌خواری‌هایی که سال‌هاست مرض اقتصاد را حادثر و حادث کرده‌اند و تنها وقتی که غائله بالا می‌گیرد، «بگم بگم» ها گل می‌کند و توپ‌ها به زمین دیگران پاسکاری می‌شود. اقتصادی که روی انگشت دلال‌ها و پول نفت است، بی‌آن که تولید و تولیدکننده جایگاهی داشته باشد. اقتصادی که یک‌شبه گنج قارون می‌آورد و یک‌شبه به خاک سیاه می‌نشانند و در واقع بیشتر شبیه قمار است تا یک سیستم کارآمد و هدفمند اقتصادی.

طبیعی است که در این بلبشو، مردم نگران فردایشان باشند. نگران چیزهایی که دیگر ساعتی بعد نمی‌توانند بخرند. نگران ارزش پولی که به سرعت می‌ریزد و فقری که بیشتر می‌شود و اجاره‌نشینی‌ها و حاشیه‌نشینی‌هایی که یک سال به سال رشد می‌کند. اقتصادی که سال‌هاست ناکارآمدی‌اش مردم را رنج می‌دهد و حالا انگار آنها را به جنون صف دچار کرده است. جنونی که امروز یکی گالن گالن بنزین بخرد و در خانه‌اش انبار کند و فردا زندگی‌اش روی هوا برود... به جای محکوم کردن مردم این وضع را اصلاح کنید. مردم به رانت‌خوارها مجوز ندادند، مردم صاحب امضاهای طلایی نیستند، مردم برای پول نفت تصمیم نمی‌گیرند، مردم بسا واردات بی‌رویه کارخانه‌ها را فلج نمی‌کنند، مردم سرمایه‌گذار خارجی را فراری نمی‌دهند، مردم میم، الف و ع را نمی‌نهند... لطفاً این را بفهمید آقایان!

روزنامه شهروند در هفته‌های اخیر در شکل و محتوا متحول شده است. ما را از نظرات و انتقادات خود بی‌نصیب نگذارید و با ما از طریق شماره پیامک ۵۰۰۲۶۲۶۶۲ در تماس باشید



حجت الاسلام صدیقی:

ترامپ، گرگی در لباس میشی

خطیب نماز جمعه تهران ضمن تأکید بر اینکه اگر بنا به مذاکره بود، باید دولت و رئیس جمهوری آمریکا امکان مذاکره نیست، گفت: «رئیس جمهوری آمریکا را نمی‌شود آدم گفت: گرگی است در لباس آدم». او درباره مشکلات اخیر اقتصادی با بیان اینکه اگر مامدریت دینی داشته باشیم، مشکلات حل می‌شود، تأکید کرد: «مدیر باید هم حفیظ و هم کار دان باشد. سیاسی بازی نکنند، دین و هزینه ملت را حفظ کنند، به پول ملت ارزش دهند و جامعه را به آرامش برسانند.»

نوبل ریاضی تعلق می‌گیرد به کوچر بیر کار، پسری از مریوان

تو افتخار مایی حتی اگر اینجانباشی

قبل از اینکه مریم میرزاخانی، موفق به دریافت جایزه فیلدز شود احتمالاً خیلی از ایرانی‌ها اسم این جایزه را نشنیده بودند، اما مریم این جایزه و البته نام خودش را بین ایرانی‌ها ماندگار کرد. حالا بلافاصله بعد از او یک ایرانی دیگر این جایزه را به خانه برده و چنان موجی از خوشحالی به وجود آورده که همه جاسحبت از او است. «کوچر بیر کار» که در زبان کردی به معنی «مهاجر متفکر» است، متولد ۱۳۵۷ در یکی از روستاهای مریوان است و دوران نوجوانی و مدرسه‌اش را همزمان با جنگ ایران و عراق پشت سر گذاشته اما اینها او را عقب نگه نداشته است تا جایی که در رشته ریاضی دانشگاه تهران پذیرفته شد و در سال ۱۱ به انگلستان مهاجرت کرد. بیر کار که اسمش در شناسنامه «فریدون درخشانی» است، در سال‌های ۲۰۰۱ تا ۲۰۰۲، دانشجوی دکتری دانشگاه ناتینگهام بود و در سال ۲۰۰۳، موفق به دریافت جایزه جامعه ریاضیات لندن، به عنوان آینده‌دارترین دانشجوی دکترانشد. فکر نکنید افتخارات بیر کار تا اسمال اینجا تمام شده بلکه این وسط‌ها هم کلی عنوان و رتبه دیگر به دست آورده تا جایی که می‌تواند یک قفسه بزرگ را در پذیرایی خانه‌اش با آنها پر کند. البته اصل مدال «فیلدز» بلافاصله بعد از اینکه به دست بیر کار رسید و او مدال را با پاکتش روی میز گذاشت و به خوش‌ویش با ریاضیدان‌های دیگر دنیا در داخت، زد دیده شد. بنابراین تا وقتی که پلیس ریودزانیرو (مراسم اسمال در این شهر برگزار شد) دزد و مدال را پیدا نکند، نسخه بدلی‌اش باید جایش را در قفسه پر کند.

بیر کار بعد از بردن جایزه به «مجله کوانتا» گفته: «در دوران دانشجویی خود در دانشگاه

روایت برادر کوچر بیر کار از ریاضیدان بزرگ

«کوچر» از زبان «شاهو»

شهروند انبار و ستای «کوچر» و مریوان در روزهای اخیر بیشتر از هر جای دیگری در ایران بر سر زبان‌ها افتاده. «شاهو درخشانی» برادر کوچر در گفت‌وگو با «شهروند» از حال و هوای این روزهای روستای «کوچر» و مریوان بعد از موفقیت جهانی که برادرش کسب کرده، می‌گوید: شاهو می‌گوید مردم روستا و شهر مریوان در پوست خود نمی‌گنجند و با برپایی مراسم رقص و جشن و پایکوبی حال و هوای تازه‌ای به این منطقه داده‌اند که هنوز هم در جریان است. متن زیر روایت «شاهو» از «کوچر» است که با هم می‌خوانیم: برادر من «فریدون درخشانی» است که نام خود را به «کوچر بیر کار» که به معنای «متفکر مهاجر» است، تغییر داد. فریدون زمانی که جایزه فیلدز را کسب کرد، مادر پوست خود نمی‌گنجیدیم. واقعا خوشحال بودیم به گونه‌ای وصف آن برابم بسیار سخت است؛ احساس غرور و سربلندی مضاعفی به من و خانواده‌ام دست داده است. نکته جالب توجه اینجاست که مردم، همشهریان و هم‌زبانم بیشتر از ما خوشحال بودند. شادمانی آنها به گونه‌ای است که در این چند روز منزل ما تبدیل به محل دائمی رفت‌وآمد مردم شده است. آنها مراسم خوشحالی خود را به طرق مختلف انجام می‌دهند. در منزل ما هم مراسم‌هایی برگزار شده است. پدر و مادرم از این موضوع آنقدر خوشحال شدند که زبانشان قاصر بود و حتی یکی دور روز اول نمی‌توانستند هیچ حرفی بزنند؛ کاملاً در حالت شوک بودند. افتخار آفرینی فریدون روحیه خوب و غیر قابل وصفی به ما و پدر و مادرم داده است. زندگی مایک زندگی معمولی بود و هوشت. خانواده من از همان ابتدا به کار کشاورزی مشغول بودند.



کوچر در مریوان، نفر دوم ایستاده از راست

تهران، به تصویر بردگان مدال فیلدز نگاه کردم و با خود گفتم که آیا زمانی موفق به ملاقات این افراد می‌شوم؟ هرگز تصور نمی‌کردم روزی این افراد را ملاقات کنم و یکی از بردگان این مدال باشم.»



فیلدز یا نوبل ریاضی

جایزه نوبل خیلی معروف است اما نکات عجیب و غریب خودش را دارد، مثل اینکه این جایزه در زمینه ریاضیات داده نمی‌شود، به جای آن همین مدال فیلدز داده می‌شود که دو سال پی در پی ایرانی‌ها موفق به دریافتش شده‌اند و به نوبل ریاضی معروف است. این تفاوت‌هایی با نوبل دارد، مثل اینکه هر ۴ سال یک بار برگزار می‌شود و هر بار هم در یکی از شهرهای دنیا. این مدال را یک ریاضیدان کانادایی به نام جان چارلز فیلدز ابداع کرده و ۱۹۳۶ تا امروز هم اتحادیه جهانی ریاضیات آن را به ریاضیدان‌های جوان (کمتر از ۴۰ سال) که کار خاص و ارزنده‌ای در رشته ریاضی انجام داده باشند، اهدا می‌کند. این جایزه در واقع یک مدال (یا سکه) به همراه ۱۵۰,۰۰۰ دلار کانادا است. سکه‌ها از طلا ساخته شده و روی آن تصویر نیمرخ ارشمیدس حکاکی شده است.

تریبون

راه حل، سوال و استیضاح نیست

عبدالله ناصری



فعال سیاسی اصلاح‌طلب، درباره استیضاح علی ربیعی وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی گفت: «توجه داشته باشید که مشکلات اقتصادی دولت و کشور خیلی فراتر از این است که با سوال از رئیس جمهوری و استیضاح و جابه‌جایی چند وزیر حل شود. معتقدم که در کشور باید کارهای بنیادی صورت بگیرد و این را باید مسئولان و نمایندگان مجلس بدانند که مشکلات اقتصادی ما زمینه سیاسی و بین‌المللی دارد و بسا جابه‌جایی یک وزیر اتفاق خاصی نمی‌افتد.»

دسیسه‌های دشمنان و حفظ امنیت اقتصادی

محمود علوی



اطلاعات در پیامی به عبدالناصر همتی، رئیس جدید بانک مرکزی نوشت: «وزارت اطلاعات در کشف و خنثی کردن توطئه‌ها و دسیسه‌های اقتصادی دشمنان و حفظ امنیت اقتصادی از هیچ کمکی به آن مجموعه دریغ نخواهد کرد و همواره همراه جناب‌عالی و مدیران و کارشناسان متعدد و متخصص آن مجموعه است.» او در بخش دیگر این نامه نوشت: «امید است حضور ارزشمند شما در شرایط خطیر کنونی موجب به ثمر نشستن رهنمودهای خردمندانانه مقام معظم رهبری، حضرت آیت‌الله العظمی خامنه‌ای (مد ظله العالی) و تدابیر رئیس جمهوری محترم در اجرای اقتصاد مقاومتی و ساماندهی امور مربوطه باشد.»

نقاط ضعف و قوت مذاکره با آمریکا

امیر محبیان



مسائل سیاسی و استاد دانشگاه با اشاره به راهبرد کج دار و مریز در برابر پیشنهاد ترامپ برای مذاکره گفت: «این راهبرد هم دارای نقاط قوتی است که عبارت است از ایجاد فضای مانور در آینده در هر شرایط محتمل و گریز از زبان‌های اتخاذ تصمیم صریح.» او همچنین گفت: «تز مذاکراتی ترامپ عبارت است از «فشار، فشار، فشار» باز هم فشار و نهایتاً مذاکره مطلوب» پس نشان دادن نمش در این شرایط یعنی دادن مجوز اعمال فشار بیشتر.»

چالش

محرمی از سر گذراند؛ کوچی در چالش قرعه نحس

اسرائیلی‌هایی خیال لژیونرهای ایرانی نمی‌شوند!

اینکه وارد چالش شود، مقابل تیم اسرائیلی قرار نگیرد؛ اگرچه برخی شایعات هم پیرامون ارتباط این مصدومیت و روبرویی با نماینده اسرائیلی منتشر شده است! حالا همان تیم اسرائیلی وارد پلی آف لیگ اروپا شده و این بار هم طبق قرعه باید با آپول قبرس بازی کند. رضا قوچان‌نژاد که به تازگی به این تیم قبرسی ملحق شده، پنجشنبه شب برابر نماینده استونی یک نیمه بازی کرد و یک پنالتی هم برای تیمش گرفت. این مهاجم ایرانی و تیمش طی ۲ هفته باید مقابل هاپوئل اسراییل در پلی آف لیگ اروپا به میدان بروند. صادق محرمی که به نوعی این خطر را از سر گذراند و حالا کوچی وارد این چالش شده که چگونه برابر نماینده اسرائیل در ۲ بازی حساس تیمش به میدان نرود. باید دید قوچان‌نژاد که به خاطر خداحافظی بعد از جام جهانی خطر خط خوردن از تیم ملی را پشت سرش احساس نمی‌کند، می‌تواند مسئولان باشگاه آپول را برای بازی نکریدن مقابل هاپوئل اسراییل راضی کند یا اتفاقات دیگری در راه است.

معمای یک ممنوع‌الخروجی

شهرام جزایری برای ۲۰۰ میلیون مالیات فرار کرد؟



هفته گذشته تلاش شهرام جزایری برای خروج از کشور، به سه‌وزه داغ رسانه‌ها تبدیل شد. شهرام جزایری که همیشه در لایه‌لای سخنانش سعی می‌کند اضطراب درونی‌اش را در پس پرده یک چهره به ظاهر آرام مخفی کند، تاکنون دو بار قصد فرار از کشور را داشته که هر بار به سد ناکامی برخورد کرده است؛ یک بار در روستایی در کشور عمان توسط وزارت اطلاعات دستگیر می‌شود و بار دیگر - هفته گذشته - در یک کامیون حامل عدس در مرز بازرگان. جزایری ممنوع‌الخروج بوده و امکان خروج و سفر به هر دلیلی برایش فراهم نبوده، مگر این که متوسل به راه‌های غیرقانونی شود. اکنون خبر دستگیری شهرام جزایری و خروجش از کشور با ابهاماتی مواجه شده است. مسأله اینجاست که چرا و به چه دلیل شهرام جزایری قصد خروج از کشور را داشته، آن هم به صورت پنهان شدن در بار کامیون؟ علت این فرار غیرقانونی را بدهی مالیاتی عنوان کرده‌اند؛ بدهی‌ای که مبلغ آن از ۲۰۰ تا ۵۰۰ میلیون تومان عنوان شده است. اما این دستگیری، این پیام را دارد که راه بستن فرارهای

مالیاتی جرم‌انگاری قوی‌تر در این زمینه است، در غیر این صورت محدودیت‌های موجود ممکن است برای بسیاری بازدارندگی لازم را نداشته باشد. لایه‌لای خبر دستگیری جزایری موضوع رشوه یک میلیاردی به یک سرباز جهت راهی او و عدم بازداشتش نیز مطرح شد و در جایی گفته شده که خودروی شخصی جزایری قیمت چند میلیاردی دارد. با این اوصاف چگونه ممکن است شخصی رشوه یک میلیاردی بدهد و خودروی میلیاردی داشته باشد، آن وقت برای بدهی مالیاتی ۲۰۰ یا ۵۰۰ میلیون قصد فرار و خروج از کشور را داشته‌باشد؟